

منهای فوتبال
<b>حماسه آفرینی تکواندوکاران ایران در قلب آسیا</b> <p><b>بامدال‌های رنگارنگ</b></p> <p><b>رقص پا بر شیاپچانگ</b></p>
<b>نگاررشدنی</b>

در روزهایی که بادهای سرد مغولستان، شهر اولان‌باتور را در آغوش گرفته بود،سال‌هاامپاتک میزبان نبردی گرم و پرشور بوده بیست‌وهفتمین دوره رقابت‌های تکواندوی قهرمانی آسیا. جایی که ۳۳۸تکواندوکار از ۳۱کشور گرد هم آمده بودند تاقدرت و تکنیک خود را به رخ بکشندوبرای افتخار قاره کهن بجنگند.کاروان تکواندوی ایران نیز با ستارگان جوان و باتگیزه‌ه‌ز جمله آرین سلیمی، قهرمان المپیک پاریس، قدم به این میدان بزرگ گذاشت تا بار دیگر پرچم سه رنگ ایران را به اهتزاز درآورد. پنجشنبه،سی‌ویکم‌ار دهمهشت‌ماه، رنگ آغاز مبارزت باصدار آمد. پنج تکواندوکار ایرانی آماده بودند تا با حریفان خود روبرو شوند و مسیر پر فراز و نشیب قهرمانی را آغاز کنند.

در وزن ۵۴- کیلوگرم، دونماینده باتگیزه‌داشتیم؛ یاسین ولی‌زاده و مهدی زر میمان. ولی‌زاده و زر میمان نخستین رقبای خود را شکست دادند اما سرنوشت تقدیری دراماتیک برای این دو رقم زده بود؛ آنها برای رسیدن به نیمه‌نهایی باید در یک نبرد تمام‌ایرانی به مصاف یکدیگر می‌رفتند. این ولی‌زاده بود که از این جدال سخت‌سر بلندبیرون آمد و در نهایت باغلبه بر رقیب ازبکستانی‌اش، راهی دیدار فینال شد.

اما تمام نگاه‌ها به وزن ۸۷+ کیلوگرم دوخته شده بود؛ جایی که آرین سلیمی، مرد طلایی المپیک پاریس و اول میدان شد. سلیمی در گام نخست، عبدالعظیم از قرقیزستان را بانمایشی مقتدرانه شکست داد. سپس باغلبه بر نماینده مالزی، به نیمه نهایی رسید و در یک مبارزه حساس، حریف قدرتمند کراهی خود را از پیش رو برداشت تا نامش را در جمع فینالیست‌ها ثبت کند.

در بخش دختران، معصومه رنجبر در وزن ۴۶- کیلوگرم وفاطمه احمدی در وزن ۷۳+ کیلوگرم، با وجود تلاش فراوان، نتوانستند از سد حریفان خود بگذرند و از گردونه رقابت‌ها کنار رفتند.

با غروب آفتاب در اولان‌باتور، لحظه موعود فرا رسید. ابتدا یاسین ولی‌زاده در فینال وزن ۵۴- کیلوگرم به مصاف جعفر الداود از اردن رفت. حریفی که سابقه درخشانی داشت؛ دارنده مدال طلای بازی‌های کشورهای اسلامی و برنز قهرمانی جهان ۲۰۲۵. ولی‌زاده، با وجود نمایش دلبرانه، نتوانست از سد این حریف قدرتمند بگذرد. بدین ترتیب، اولین مدال کاروان تکواندوی ایران در این رقابت‌ها، به رنگ نقره درخشید.



پس از نقره ولی‌زاده، تمام نگاه‌ها به آرین سلیمی دوخته شد. او در فینال باید به مصاف مرات ماولونوف از ازبکستان می‌رفت؛ حریفی سرسخت از کشوری که در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری در تکواندو داشته‌است. راند اول، نبردی نفس‌گیر و پایاپای بود. نتیجه ۷-۷ شد، اما به دلیل امتیازات بیشتر، ماولونوف ازبکستانی برنده راند اعلام شد. سکوت سنگینی بر سالن حاکم شد، اما آرین تسلیم نشد. در راند دوم، سلیمی با نمایش تکنیکی برتر، ۲-۶ به برتری رسید تا حساب کار ۱-۱ شود و همه چیز به راند سوم و پایانی کشیده شود. هیجان به اوج خود رسید. راند سوم نیز به شدت نزدیک و پرمتیازذنیال می‌شد. کمتر از ۱۰ ثانیه به پایان، نتیجه ۸-۸ بود. ناگهان حریف ازبکستانی با یک ضربه به په‌اد امتیاز کسب کرد و نتیجه ۸-۱۰ شد. تنها سه‌ثانیه به پایان مبارزه باقی مانده بود و ماولونوف با بیرون رفتن از شیاپچانگ، یک امتیاز به آرین داد تا نتیجه ۹-۱۰ به سود او شود. دیگر کمتر کسی تصور می‌کرد اتفاقی بیفتد؛ اما آرین سلیمی، همان قهرمان لحظه‌های آخر همه‌را شگفت‌زده کرد.

درست در ثانیه پایانی، سلیمی با یک حرکت برق‌آسا، تکنیک سه‌امتیازی تریوچاگی را به زیبایی هر چه تمام‌تر روی سر حریف ازبکستانی فرود آورد تا بلوی نتایج به یکباره تغییر کرد؛ ۱۲-۱۰ به سود آرین سلیمی. اسان در پهنت فرو رفت. حریف ازبکستانی و مربیان‌ها ت مرمیوهت بودند. اما آرین، از فرط شادی و هیجان، به هوا پرید و پیروزی خارق‌العاده خود را جشن گرفت. طلایی که در دهان شیر بیرون کشیده شد! این پیروزی لحظه آخری، مدال طلای وزن ۸۷+ کیلوگرم تکواندوی آسیا را برای ایران به مرغان آورد و آرین سلیمی را به اولین طلایی کاروان ایران در مغولستان تبدیل کرد. ضربه‌ای که نه‌تنها حریف را شوکه کرد، بلکه هیجان و شادایی را در اردوی ایران به اوج رساند و روحیه‌ای مضاعف به تیم بخشید. در روز دوم مسابقات، موج موفقیت‌های کاروان ایران ادامه یافت و دو تکواندوکار دیگر نیز به مدال طلا بدست یافتند تا باران طلا بر سرتاسر تکواندوی ایران بارید. در وزن ۵۸- کیلوگرم، ابوالفضل زندی که سال گذشته نیز در مسابقات جهانی در خشدبود، خودش را به فینال رساند و در این مرحله بانمایشی خیره‌کننده، حریف قدرتمند کراهی را در دو راند متوالی در هم کوبید و مدال طلای از آن خود کرد. در ادامه امیر سبینا بختیاری نیز در وزن ۷۴- کیلوگرم، افتخار آفرینی زندی را تکمیل کرد تا شاهد یک دیل طلایی دیگر برای ایران باشیم. بختیاری که مسیرش را به فینال هموار کرده بود، باید با سد محکم آونوشان از چین روبرو می‌شد. یک رقابت نزدیک و پر فراز و نشیب در این راند بود. در هر دو راند، امتیازات برابر شدند اما این بختیاری بود که به دلیل فعالیت بیشتر و برتری در فاکتورهای داوری، به عنوان برنده معرفی شد و مدال از زشمند طلا را به گردن آویخت.

در پایان روز دوم، پسران با سه طلا و یک نقره خیره‌کننده ظاهر شدند. این دستاوردها، نه‌تنها نشان از عزم و اراده پولادین تکواندوکاران ایرانی‌داشت، بلکه روحیه‌ای وجدندان به کاروان ایران بخشید تا با قدرت و امید بیشتر، برای کسب مدال‌های طلایی دیگر در روزهای آینده به مصاف حریفان خود بروند. تکواندو ایران بار دیگر ثابت کرد که قدرت برتر آسیاست و ستارگانش، آماده درخشش در میادین جهانی و المپیک هستند.

## سایه شوم مصدومیت بر سر کاپیتان و پرواز ناگهانی یک شاهین از امارات درام در آنتالیا

آرژانتینی

تاریخی فوتبال ایران به یاد می‌آورد که چگونه در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، روزه با نمایشی درخشان در قلب دفاع مقابل مراکش، یکی از ارکان پیروزی تاریخی ایران بود؛ اما درست زمانی که در اوج قرار داشت، مصدومیت بی‌رحمانه به سراغش آمد و او تماشاگر حسرت‌بار دیدارهای تاریخی مقابل اسپانیا و پرتغال شد. چهار سال بعد، در قطر ۲۰۲۲، داستان برای او با یک فاجعه آغاز شد. حضور در ترکیب جام جهانی ۲۰۲۶ و تقابل حساس با نیوزیلند در تاریخ ۲۶ خردادماه، اردوگاه یوزهای ایرانی دست‌خوش طوفانی از اتفاقات دراماتیک، شوک‌های پزشکی و تصمیمات شگفت‌انگیز تاکتیکی شده‌است. در ادوی آنتالیا، جایی که ۳۰ بازیکن (متشکل از ۲۲ ستاره لیگ برتری و هشت لژیونر) با رویارویی بزرگ گرد هم آمده‌اند، فوتبال بار دیگر بی‌رحمی و در عین حال شگفتی‌سازی خود را به رخ کشیده‌است. امیر قلعه‌نوی، سرمربی تیم ملی که تا روز یازدهم خردادماه برای اعلام لیست نهایی ۲۶نفره مسافران جام جهانی فرصت دارد، حالا با معمای پیچیده روبروست. این گزارش، روایتی است پر فراز و نشیب از آنچه در روزهای پایانی اردیبهشت ۱۴۰۵ در اردوی تیم ملی گذشت.

برای روزه‌چشمی، کاپیتان اول استقلال و یکی از با تجربه‌ترین مهره‌های اردوی ملی، جام جهانی همیشه تداعی‌کننده یک دوگانگی عجیب بوده است؛ یک سینمای سیاه‌وسفید که در آن هم سکانس‌های حماسی وجود دارد و هم تراژدی‌های اشک‌بار. روز چهارشنبه، در میانه تمرینات پرشمار تیم ملی در ترکیه، یک لحظه توقف، یک درهم کشیدگی چهره و داستانی که به پشت‌ران گره خوردند، کافی بود تا سکوت سنگینی بر تمرین حاکم شود. همسترینگ، این عضله خیانت‌کار که قاتل خاموش رویای فوتبالیست‌هاست، بار دیگر یقه روزه را گرفت. آرژایی‌های اولیه کادر پزشکی، همان چیزی بود که هیچ س‌نمی‌خواست بشنود؛ کشیدگی شدید همسترینگ.

برای بازیکنی که در ۳۲سالگی به سر می‌برد و پس از گذراندن فصلی پر فراز و نشیب در استقلال (که بخشی از آن هم به دلیل مصدومیت از دست رفته بود)، باتگیزه فراوان در چهار مینی‌کمپ (در ادوی آنتالیا حاضر شده بود تا شمار بازی‌های ملی‌اش را از عدد ۳۰ فراتر ببرد، این یک ضربه ویرانگر بود. چشمی با جام جهانی غریبه‌نیست؛ اما خاطرات او از این تورنمنت بزرگ، مانند یک ترن هوایی احساسی است. حافظه

### اتفاق روز

**وقتی هاشم‌نژاد آماده خط خورد تاج‌جهانبخش مسافر آمریکاشود**

## نه به شایسته‌سالاری!

نازنین دشتی

اردیبهشت‌ماه همیشه در تقویم فوتبال ایران با تصمیمات سرنوشت‌ساز گره خورده است، اما اردیبهشت ۱۴۰۵، برای یکی از درخشان‌ترین ستاره‌های لیگ برتر فوتبال ایران، رنگ و بویی از جنس حسرت، بی‌عدالتی و رویاهای بر بادرفته دارد. در روزهایی که لیست ۳۰نفره تیم ملی توسط امیر قلعه‌نویی اعلام شد، یک خط قرمز پیش از همه چشم‌ها را از داد و قلب فوتبال دوستان را به درد آورد؛ خط قرمزی که، روی نام مهدی هاشم‌نژاد، ستاره بی‌چون و چرای تراکتور و انزلی چی محبوب تی‌تی‌ها کشیده شد. این تصمیم، نه‌تنها یک انتخاب فنی سبانهش بود، بلکه یک شلیک مستقیم به قلب شایسته‌سالاری در فوتبال ایران محسوب می‌شود. هاشم‌نژاد که در دو فصل اخیر یکی از بهترین و موثرترین بازیکنان لیگ برتر بوده، حالا باید بزرگ‌ترین فست‌یوال جهان را از پای گیرنده‌های تلویزیونی تماشا کند. این یادداشت، روایتی است از یک ذبح فوتبالی؛ ذبح جوانی که قربانی مصیبت‌ناپذیری نام‌های بزرگ تر شد.

برای درک عمق این فاجعه، باید نگاهی به کارنامه خیره‌کننده مهدی هاشم‌نژاد در دو سال اخیر بیندازیم. بازیکنی که به‌ک مهره بی‌جانشین و به معنای واقعی کلمه ویرانگر در جناحین تراکتور تبدیل شده بود. هاشم‌نژاد در فصلی که گذشت، نه‌تنها در لیگ برتر بلکه در آوردگاه سخت لیگ نخعیان آسیانیز کابوس مدافعان حریف بود. لیگ ۱۰گل و اثرگذار ی مستقیم روی ۱۲گل دیگر در مسابقات مختلف در فصل گذشته، آمار ی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد. او با سرعت ویرانگر، گام‌های بلند، تکنیک ناب و هوش بالای خود، با هر گره‌از کار تراکتور گشود. هواداران تبری‌زی به خوبی به یاد دارند که در روزهای سخت مسابقات، این ساق‌های پرتوان هاشم‌نژاد بود که امید را به مسافر جام جهانی دیده می‌شود. اینجاست که فوتبال و یتربین عدالت خود را از دست می‌دهد. بیایید کارنامه این دو بازیکن را در ترازوی مقایسه قرار دهیم. علیرضا جهانبخش، کاپیتان باسابقه تیم ملی که روزگاری آقای گل هلند بود، در فصل اخیر چه کارنامه‌ای داشته‌است؟ او پس از سپهری کردن دورانی ناموفق در فانیورد و هیرنفین، سر از تیم گمنام دندر در لیگ بلژیک درآورد. تیمی که پیگیر ترین عاشقان فوتبال هم نامش را نشنیده‌اند. جهانبخش در این تیم

toseeirani.ir

نوع‌رسانی

سایه شوم مصدومیت بر سر کاپیتان و پرواز ناگهانی یک شاهین از امارات

آرژانتینی

آرژانتینی

آرژانتینی

ملی نیز کماکان از تمرینات گروهی دور است و سرنوشت نامشخصی برای حضور در آمریکا دارد. با این حال، در فوتبال همیشه مصدومیت یک بازیکن، به معنای باز شدن در‌های بهشت به روی بازیکنان دیگر است.

خروج احتمالی چشمی از لیست نهایی ۲۶نفره، رقابت در پست هافبک دفاعی را به بالاترین حد خود رسانده است. حالا جوانانی جو‌یاسی نام چون امیرمحمد رزاقی نیافرستی طلایی برای نیما، روزبه را به لبه پرستگاه انتقادات کشاند. اما او همچون ققنوسی از خاکستر بلندشده و در بازی باولسز، در قامت یک منچی تمام‌عیار ظاهر شد. شلیک بی‌نقص و سوپر گل استثنایی او در دقایق پایانی، نامش را در تاریخ گلزنان ایران در جام‌های جهانی جاودانه کرد، هر چند که این درخشش هم نتوانست ضامن حضورش در بازی سرنوشت‌ساز مقابل آمریکا باشد.

### آسیب‌دیدگی چشمی تنها یک

**تراژدی فردی نیست، بلکه یک چالش تاکتیکی بزرگ برای امیر قلعه‌نویی است. این بحران بیابوریم میلاد محمدی، دیگر مهره‌ار زشمند تیم ملی نیز کماکان از تمرینات گروهی دور است و سرنوشت نامشخصی برای حضور در آمریکادارد**

حالا، در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶، کابوس هشت سنال پیش در روسیه در حال تکرار است. با توجه به اینکه پروسه در مان کشیدگی همسترینگ بیش از دو هفته زمان می‌برد، روزه در یک قدمی از دست دادن رویای سومین جام جهانی پیاپی خود قسر دارد. او فعلا به صورت

موقت اردوی تیم ملی را برای آغاز روند در مان ترک کرده و تنها امیدش به معجزه و پاسخ متفاوت تصاویر MRI است. آسیب‌دیدگی چشمی تنها یک تراژدی فردی نیست، بلکه یک چالش تاکتیکی بزرگ برای امیر قلعه‌نویی است. ژنرال فوتبال ایران که از یک سو با دغدغه عدم صدور ویزای آمریکا برای برخی بازیکنان دست‌وپنجه نرم می‌کند و از سوی دیگر نگران دور بودن بازیکنان لیگ برتری از شرایط مسابقه است، حالا یکی از ستون‌های باتجربه خود در میانه میدان را از دست داده‌است. این بحران زمانی عمیق‌تر می‌شود که به یادبوریم میلاد محمدی، دیگر مهره‌ار زشمند تیم خودسند بزند.

حالا شناسن، روی خوش خود را به شهریار نشان داده‌است. او که شاید تا همین چند روز پیش شناسنی برای حضور

در لیست نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ برای خود متصور نبود، حالا در متن ماجرا قرار دارد. البته مسیر او برای رسیدن به لیست چمدان هایش را بیست تا به مهره‌سایر اعلام می‌شود) فرش قرمز نیست. مغالو باید در خط حمله‌ای بچنگد که ترافیک مغالو در این مقطع حساس، پاداشی است

به تسلیم‌ناپذیری او در یکی از سخت‌ترین فصل‌های فوتبالی‌اش. کلبا در فصل اخیر رقابت‌های اندوک‌لیگ(لیگ برتر امارات) روزهای به شدت تیره‌و تار و پر‌نوسانی را پشت سر گذاشت. با این حال، در میان نتایج ضعیف‌ای تیم، شهریار مغالو مانند یک ستاره در تاریکی درخشید. او موفق شد هشت بار تور دروازه حریفان را به لرزه درآورد و دو بار هم در نقش سازنده گل ظاهر شود تا عنوان موفق‌ترین لژیونر فوتبال ایران در امارات را در این فصل به نام خودسند بزند.

حالا شناسن، روی خوش خود را به شهریار نشان داده‌است. او که شاید تا همین چند روز پیش شناسنی برای حضور

در لیست نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ روسیه برای روزه‌به چشمی در حال تکرار است. روزه‌با کشیدگی شدید همسترینگ، در یک قدمی از دست دادن

رویای سومین جام جهانی پیاپی خود قرار دارد و تنها امیدش به معجزه و پاسخ متفاوت تصاویر MRI است

بلژیکی فرسنگ‌ها از فرم مطلوب دور بود، بازی‌های کمی انجام داد، اثربخشی ملموسی نداشت و مدتی را هم با مصدومیت‌های بدموقع دست‌ و پنجه نرم می‌کرد. دعوت از بازیکنی با چنین کارنامه ضعیفی در رده باشگاهی، در حالی که یکی از آماده‌ترین و یتگرهای لیگ خط می‌خورد، چه توجیهی دارد؟

این تصمیم عجیب، این پیام خطرناک را به بازیکنان شاسافل در لیگ برتر مخابره می‌کند که نام لژیونرتر مهاجر شما از خودش

دارد. وقتی علی‌قلی‌زاده، دیگر ویتگر تیم ملی نیز با مصدومیت روبرو به‌ود، این طلایی‌ترین فرصت برای رخ‌نمایی یک جوان آسماده مثل هاشم‌نژاد بود. بازیکنی که می‌توانست سمت راست خط حمله ایران را در آمریکا به آتش بکشد. اما کادر فنی ترجیح داد بازیکنی با ضعیف‌ترین کارنامه باشگاهی ممکن را به هواییمای آمریکا بنشانند و ستاره‌ای را که قلب تپنده حملات تراکتور بود، در خانه نگه دارد.

آیا این تصمیم، بازی با آینده یک جوان مستعد نیست؟ آیا کادر فنی تیم ملی متوجه ابعاد مخرب این تصمیم بمر روجه حرفه‌ای مهدی هاشم‌نژاد هست؟ در دنیای فوتبال، جام‌جهانی بزرگ‌ترین سکوی پرتاب برای بازیکنان جوان است. حضور حتی چند دقیقه‌ای در این تورنمنت، می‌تواند سرنوشت یک بازیکن را تغییر دهد. هاشم‌نژاد این موضوع را می‌دانست و تمام برنامه‌ریزی‌هایش را بر پایه درخشش در این آوردگاه‌استوار کرده بود.

پشت هر خط خوردنی، یک تراژدی نهفته‌است و برای هاشم‌نژاد، این خط قرمز به معنای فرو ریختن کاخ آرزوهایش بود. ویتگر ۲۴ساله تراکتور، پس از چهار فصل درخشش در پیراهن سرخ‌پوشان تبری‌زی، به روزهای پایانی قراردادش رسیده است. او سال گذشته در آستانه لژیونر شدن بود و پیشنهادهای جدی از امارات داشت. اما او با یک هجومی نامیده می‌شود خط می‌خورد، نام علیرضا جهانبخش در صدر ویتگر مسافر جام جهانی دیده می‌شود. اینجاست که فوتبال و یتربین عدالت خود را از دست می‌دهد. بیایید کارنامه این دو بازیکن را در ترازوی مقایسه قرار دهیم. علیرضا جهانبخش، کاپیتان باسابقه تیم ملی که روزگاری آقای گل هلند بود، در فصل اخیر چه کارنامه‌ای داشته‌است؟ او پس از سپهری کردن دورانی ناموفق در فانیورد و هیرنفین، سر از تیم گمنام دندر در لیگ بلژیک درآورد. تیمی که پیگیر ترین عاشقان فوتبال هم نامش را نشنیده‌اند. جهانبخش در این تیم

شماره ۲۱۸۶ / شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ / ۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ / ۲۳ می ۲۰۲۶



پزشکی، نبردی نابرابر با زمان را آغاز کرده است. کادر پزشکی تیم ملی اعلام کرده که پیش از اعلام لیست نهایی در یازدهم خرداد، شرایط روزه بار دیگر و به دقت‌سنجیده خواهد شد. اما علم پزشکی معمولاً با احساسات فوتبالی‌ساز گاری ندارد. شدت آسیب‌دیدگی همسترینگ به حدی است که منطقی می‌گود احتمالاً در بازی‌های گره‌خورده جام جهانی است. چه بسا شهریار با فیزیک بدنی خاص و قدرت سرزنی‌اش، همان قطعه گمشده‌ای باشد که ژنرال برای دقایق حساس می‌خواهد.

تیم ملی ایران از روز جمعه دور تازه تمرینات خود را پس از بازگشت از سفارت آمریکا آغاز کرده‌است. در یک سوی میدان، شهریار مغالو با انگیزه‌های مضاعف پا به چمن می‌گذارد تا ثابت کند دعوت ناگهانی‌اش یک اتفاق ساده نبوده و او لیاقت پوششیدن پیراهم تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ را دارد. در سوی دیگر و فرسنگ‌ها دورتر از میاهوی مستطیل سبز، روزه‌به چشمی در کلینیک‌های

فوق‌العاده سنگینی دارد. او باید تته‌به‌تته نام‌های بزرگی چون مهدی طر می‌ستاره) بی‌چون و چرای خط حمله، علی‌علیپور، امیرحسین حسین‌زاده، دنیس در گاهی و پدیده جوانی چون کسری طاهری بزند. ورود یک مهاجم به‌سای‌کی هافبک، نشان‌دهنده‌افکار تهاجمی امیر قلعه‌نویی و تمایل او برای ایجاد تنوع در خط حمله در بازی‌های گره‌خورده جام جهانی است. چه بسا شهریار با فیزیک بدنی

خاص و قدرت سرزنی‌اش، همان قطعه گمشده‌ای باشد که ژنرال برای دقایق حساس می‌خواهد.

تیم ملی ایران از روز جمعه دور تازه تمرینات خود را پس از بازگشت از سفارت آمریکا آغاز کرده‌است. در یک سوی میدان، شهریار مغالو با انگیزه‌های مضاعف پا به چمن می‌گذارد تا ثابت کند دعوت ناگهانی‌اش یک اتفاق ساده نبوده و او لیاقت پوششیدن پیراهم تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ را دارد. در سوی دیگر و فرسنگ‌ها دورتر از میاهوی مستطیل سبز، روزه‌به چشمی در کلینیک‌های

فوق‌العاده سنگینی دارد. او باید تته‌به‌تته نام‌های بزرگی چون مهدی طر می‌ستاره) بی‌چون و چرای خط حمله، علی‌علیپور، امیرحسین حسین‌زاده، دنیس در گاهی و پدیده جوانی چون کسری طاهری بزند. ورود یک مهاجم به‌سای‌کی هافبک، نشان‌دهنده‌افکار تهاجمی امیر قلعه‌نویی و تمایل او برای ایجاد تنوع در خط حمله در بازی‌های گره‌خورده جام جهانی است. چه بسا شهریار با فیزیک بدنی خاص و قدرت سرزنی‌اش، همان قطعه گمشده‌ای باشد که ژنرال برای دقایق حساس می‌خواهد.

تیم ملی ایران از روز جمعه دور تازه تمرینات خود را پس از بازگشت از سفارت آمریکا آغاز کرده‌است. در یک سوی میدان، شهریار مغالو با انگیزه‌های مضاعف پا به چمن می‌گذارد تا ثابت کند دعوت ناگهانی‌اش یک اتفاق ساده نبوده و او لیاقت پوششیدن پیراهم تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ را دارد. در سوی دیگر و فرسنگ‌ها دورتر از میاهوی مستطیل سبز، روزه‌به چشمی در کلینیک‌های

است که او بتواند به رویای حضور در کشورهای خلیج فارس یا اروپا با کیفیت سابق دست یابد. امیر قلعه‌نویی با این تصمیم، به‌ال‌حالی پرواز یک جوان را چید. این اولین بار نیست که هاشم‌نژاد طعم بی‌مهری را می‌چشد. چهار سال پیش، پیش از جام جهانی قطر، کارلوس کی‌روش در اقدامی نمایشی، مقابل نیکاراگوئه به جوانانی چون هاشم‌نژاد میدان داد تا درست جوان‌گرایی بگیرد، اما در نهایت بلیت قطر را به نام سربازان همیشگی خود صادر کرد. آن زمان هاشم‌نژاد کم‌تجربه‌تر بود و خط خوردنش قابل‌هضم‌تر به نظر می‌رسید. اما داستان ۲۰۲۶ متفاوت بود. او پس از صعود ایران، توسط خود امیر قلعه‌نویی دعوت شد، در تورنمنت کافا دوید، در العین پیراهن ملی را پوشید و برای اثبات شایستگی‌هایش جنگید. او بله‌بله بالا آمد و گمان می‌کرد کادر فنی بازی‌های درخشان او را راج می‌نهد. اما در آخرین فیلتر، درست در روزهایی که باید مزد درخشش بی‌امان‌ش را می‌گرفت، قربانی یک سیستم نام‌گرا شد. او از قطاری پیاده شد که مسافران‌ش بر اساس معیارهای عجیبی انتخاب شدند؛ معیارهایی که نام‌ها بر

آمارهای می‌چربند. اکنون ستاره تراکتور در یک دوراهی سخت قرار گرفته‌است؛ لژیونر شدن به هر قیمتی یا تمدید قرارداد با تراکتور که احتمال آن بیشتر به نظر می‌رسد. او باید دوباره به لیگ برتر برگردد، دوباره بچنگد و انگیزه‌هایش را از بیستم در کارنامه مرئیانی برای این ستاره ناکام، چشم دوختن به جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ با باند. او باید امیدوار باشد که تا آن زمان، معیارهای انتخاب از نام‌گرایی به شایسته‌سالاری واقعی تغییر کند. اما سوال اینجاست که آیا تا آن زمان، طراوت جوانی در ساق‌های او باقی خواهد ماند؟

انتخاب جهانبخش افت کرده و خط زدن هاشم‌نژاد سر حال، نشان می‌دهد که کادر فنی در مواجهه با نام‌های بزرگ دچار محافظه‌کاری مفرط است. فوتبال ایران سال‌هاست که از عدم شجاعتم مربیان در اعتماد به جوانان رنج می‌برد و این تصمیم، بازماند این رویکرد بیمار گونه‌است. در نهایت، لیست ۳۰نفره و مسافران ترکیه، شاید بتوانند در جام جهانی نتیجه‌ای کسب کنند، اما لکه سیاه این انتخاب ناعادلانه، بر پیشانی این فخر ست باقی خواهد ماند. در برنامه‌های تحلیلی، این تصمیمات به عنوان نقطه‌ای تاریک در کارنامه مربیان و کادرفوتبال ایران یاد می‌ماند. مهدی هاشم‌نژاد در تبری‌زی می‌ماند و ستاره‌های انفجاری او در خاک آمریکا، برای هواداران باقی خواهد ماند. تیمی که به جای ربه‌های تازمنفس جوانان، به عسای تجربه تکیه می‌کند، شاید در کوتاه‌مدت از انتقادات در امان بماند، اما آینده فوتبال را به مسلخ می‌برد. می‌تشد که امروز برای هاشم‌نژاد می‌خوانیم، مرئی‌های است برای شایسته‌سالاری کشنده در فوتبال ما.